



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش	جلسه	۳۰	تاریخ	۱۴۰۱/۰۸/۲۵
عنوان ۱	حجیت ظن				
عنوان ۲	ظنون خاصه				
عنوان ۳	سیره و اخواتها				
عنوان ۴	بررسی حجیت سیره عقلاء				
عنوان ۵	بررسی ظهور سکوت در رضا				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

بررسی ظهور سکوت در رضا

گفتیم که یکی از طرق اثبات کاشفیت سیره از حکم معصوم، ادعای ظهور سکوت معصوم در برابر سیره عقلاییه، در رضای معصوم به آن چیزی است که سیره بر آن قائم شده است. این را ما اجمالاً قبول داریم که در برخی موارد با شرایطی که بیان خواهیم نمود، سکوت در برابر سیره عقلاییه، ظهور در رضا و امضای آن سیره عقلاییه داشته باشد و بدین معناست که شارع خود قبلاً حکمش همین بوده است؛ نه اینکه به این معنا باشد که شارع، آنچه عقلاء حکم کرده اند را پذیرفته باشد. این حرف درستی نیست که گفته شود شارع، آنچه عقلاء حکم کرده اند را پذیرفته است؛ زیرا شارع خود حاکم است و حق حکم، مخصوص شارع است و کار عقلاء، حکم کردن نیست. کاری که سیره عقلاییه می کند - اگر بتواند - کشف از آن چیزی است که شارع جعل کرده است؛ لذا باید بحث کنیم و ببینیم چه وقت سکوت شارع در برابر سیره عقلاء، ظهور در مطابقت این سیره با حکم شارع دارد.

بیان اقسام ظهور

قبل از اینکه وارد اصل بحث شویم باید به این نکته اشاره کنیم که ظهور، گاهی ظهور کلامی است؛ گاهی ظهور فعلی و گاهی نیز ظهور حالی است.

به عبارت دیگر، گاهی شارع بیانی و کلامی دارد، و کلام او دارای ظهور است و گاهی فعلی انجام می دهد که دارای ظهور در معنایی است و گاهی نیز حالی دارد که این حال ظهور در معنایی دارد. این حال دو قسم است: ظهور حالی سکوتی و ظهور حالی وصفی^۱.

۱. برای تفصیل بیشتر به کتاب اصول فقه نوین، جلد چهارم صفحات ۲۹۶ به بعد مراجعه نمایید.

اینکه می‌گوییم حال، ظهور دارد، گاهی حال به معنای وصفی است که بر انسان عارض می‌شود و اتصاف او به این وصف، ظهور در رضا یا عدم الرضا دارد؛ مثل اینکه کسی در برابر معصوم سخنی بگوید و یا فعلی انجام دهد که معصوم در برابر او چهره درهم کند؛ ولو اینکه سخنی نگوید؛ بلکه حالی به خود بگیرد که این حال، کاشف از غضب و خشم ایشان است. گاهی نیز ظهور حالی با سکوت است؛ یعنی معصوم در برابر یک فعلی سکوت می‌کند. در اینجا جای این بحث وجود دارد که سکوت در چه وقت می‌تواند در مطابقت آن فعل با با رضای سکوت کننده ظهور داشته باشد؟

مقومات شکل‌گیری ظهور سکوت در رضا

۱. ارتکاب فعل در مشهد و حضور فرد مسئول

به نظر ما باید سه مقدمه وجود داشته باشد تا ظهور سکوتی شکل بگیرد. این سه مقدمه، غیر از مقوات خود ظهور است؛ بلکه این سه مقدمه برای شکل‌گیری ظهور لازم است و شکل‌گیری ظهور بر آن سه متوقف است:

یکی اینکه آن فعلی که می‌خواهیم سکوت ساکت را دال بر رضای او بدانیم - گرچه معصوم نباشد؛ زیرا بحث ما در ظهور است و ظهور عرفی است - در مشهد و مرئای آن ساکت انجام گیرد. لذا اگر خبر بدهند که فلان شخص، فعلی انجام داد، سکوت، دال بر رضایت نیست؛ زیرا بحث در ظهور عرفی است؛ یعنی چه از معصوم صادر شود و چه از غیر معصوم؛ چیزی که ظهور دارد، ظهور در برابر فعل است؛ اما اگر بخواهیم بگوییم سکوت معصوم در برابر خبر، ظهور در سکوت دارد، از باب دیگری - از قبیل نهی از منکر یا وجود تبلیغ - است.

دیگر اینکه آن ساکت، نسبت به فعل آن فاعل، دارای مسئولیت عرفی باشد. لذا اگر ساکت، مسئولیت عرفی‌ای نسبت به فاعل نداشته باشد، سکوت او، عرفاً دال بر رضا نیست. بنابراین اگر ساکت نسبت به آن فعلی که از فاعل سر می‌زند مسئولیت دارد و در برابر آن فعل سکوت کند، این سکوت ظهور در رضایت دارد.

اگر یک فعلی در حوزه مسئولیت یک مسئول انجام بگیرد، ولو اینکه در برابر او نباشد، مثلاً کسی مسئول شهر است و شخصی به طور علنی کاری انجام دهد، ولو اینکه در حضور آن شخص مسئول نباشد، سکوت او در برابر آن، ظهور در رضا دارد؛ مگر اینکه موانعی وجود داشته باشد و یا اینکه آن مسئول، متخلف باشد.

بنابراین سوین عنصر این است که مسئول، پایبند و متعهد به مسئولیت خود باشد.

اگر این امور تحقق پیدا کند و فعلی در مشهد و مرئای شخصی انجام گیرد که نسبت به فعل فاعل، دارای مسئولیت است و یا در حوزه مسئولیت اوست، و مسئول نیز متعهد و پایبند و ملتزم است، [سکوت او در برابر آن فعل، ظهور در رضایت او دارد].

۲. وجود مقتضی بیان مخالفت

افزونی بر این سه شرطی که در اصل شکل‌گیری ظهور دخل دارند، مقتضی بیان نیز باید وجود داشته باشد؛ لذا اگر فعلی در حضور معصوم یا یک مسئول انجام گرفت و مسئول، قبلاً موضع و مخالفت خود را کراراً اعلام کرده است؛ [دیگر این سکوت، دال بر رضای او نخواهد بود و] او می‌تواند به همان بیان سابق اکتفاء کند. مگر اینکه آن فعل، در نظر عرف و عقلاء به گونه‌ای باشد - مثلاً دارای اهمیت، رسوخ و گسترشی باشد - که با اینکه قبلاً بیان کرده اما اگر دوباره بیان نکند، ظهور در

رضایت او خواهد داشت؛ یعنی اقتضای آن فعل این است که نباید به بیان سابق اکتفاء نکند و اگر به بیان سابق اکتفاء کند، ظهور در رضا منعقد می شود؛ مثلاً کاری انجام می گیرد که موجب زوال اسلام و وارد آمدن ضربه بسیار بزرگی به جامعه مسلمین خواهد شد؛ در این صورت در نظر عرف، صرف بیانات سابق در ردع این سیره کفایت نمی کند و عرف، سکوت در برابر چنین سیره ای را رضا می داند؛ ولو اینکه در گذشته بیان کرده باشد.

علاوه بر این، فعل باید در محیطی صورت بگیرد که پذیرش بیان آن شخص وجود داشته باشد؛ به عبارت دیگر زمینه پذیرش وجود داشته باشد؛ لذا اگر کسی در بلاد کفر زندگی می کند و می بیند که معصیتی انجام می گیرد، سکوت او دال بر رضا نخواهد بود زیرا زمینه پذیرش در آنجا وجود ندارد و آنها با حرف یک عالم مثلاً، دست از سیره خودشان بر نمی دارند. همین طور در جامعه اسلامی گاهی پذیرش وجود ندارد و معصوم، برای اینکه پذیرش وجود ندارد، سکوت می کند؛ چنین سکوتی که بر اثر عدم وجود پذیرش است، دلالت بر رضا ندارد.

بنابراین مقتضی بیان باید وجود داشته باشد؛ اولاً به اینکه اینطور نباشد که قبلاً بیان کرده باشد و یا به اشکال دیگری، رأی خود را رسانده باشد؛ مگر اینکه مورد، از مواردی باشد که اکتفای بر بیان سابق جایز نباشد و ظهور در رضا ایجاد کند و ثانیاً اینکه پذیرش وجود داشته باشد.

علاوه بر اینکه باید مقتضی بیان وجود داشته باشد، نباید مانعی از بیان وجود داشته باشد که در جلسه آینده بیان خواهیم نمود.

و صلّی الله علی محمد و آله الطّاهرين